

نقش و جایگاه مربیان در جامعه پرورازی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

زینب خادمی

ناحیه لاج پناه میاندوآب

چکیده

نسل جوان تشنه فرهنگ و معارف سازگار با روحیات خویش می باشد. شناسایی این روحیات در ید کسانی است که به نیروی عظیم جوانان اعتقاد دارند و معتقدند این مملکت به دست تلاشگران ایرانی آباد خواهد شد. از جمله دلسوزان نظام مربیان بسیجی می باشند که الحق و الانصاف در عرصه های فرهنگی نظام خوش درخشیدند و بعد از سنگر های خاکی مقابله با دشمنان تا بن دندان مسلح ، امروز نیز در جبهه جنگ نرم با زورگویان مستکبر، هدایت فکری جوانان را عهده دارند. فرهنگی بسیجی می تواند با برقراری یک تعامل دوستانه با جوانان مسیر فکری آنها را تغییر داده و منور سازد. نقش دوستان گاهی اوقات از نقش خانواده و جامعه نیز پررنگ تر و حساس تر می شود. توانایی ها و توانمندی های جوانان در به کار گیری شیوه ها و روش های مختلف آنها برای دلیلی بر این مدعاست. جوانان دارای خصوصیات مختلف می باشند و برای حل معضلات و مشکلات موجود می توانند از روش های ابداعی و از خلاقیت استفاده می کنند. در این رهگذر توجه به ایجاد تغییرات سازنده و کارگشا و تحول نظام آموزشی یکی از کار آمد ترین و کلیدی ترین محور های رسیدن به خود کفایی علمی و همان تولید دانش می باشد. این تحولات باید به گونه ای صورت پذیرد که اولاً میل آنان را به سوی ارزش های خدادادی و معنوی حرکت دهد و از آنان نوجوانانی بسازد تا آنان نیز با دیگر هموعان خویش زنجیره ای از خوبیها را با خود به ارمغان ببرند و از سویی جذابیت و نو آوری هم داشته باشند تا نسل جوان به آنها گرایش پیدا کنند. به کارگیری این قابلیت ها در جامعه توسط مربیان بسیجی نیز باعث می شود نسل جوان مسیر درست تفکر را بیابد و راه را بر ورود افکار و تفکرات بیگانه ببندد. امید است به روزی برسیم که بسیجیان اهل قلم

و فرهنگ در کنار دیگر دلسوزان نظام نقش عظیمی در شکوفا کردن باور ها و ارزشهای دینی ایفا کند.

کلمات کلیدی : مربیان بسیجی- نظام آموزشی - تحول کار آمد

مقدمه

ضرورت توجه به تعلیم و تربیت تعلیم و تربیت، بنیاد و اساس فرهنگ، آگاهی، رشد و توسعه اجتماعی یک ملت به شمار می رود، تعلیم و تربیت یگانه راه انتقال فرهنگ دانش و تجربیات نسلی به نسل دیگر است و آنچه بشر تا کنون قله های علم و دانش را فتح کرده و به مرحله فرا مدرن امروز رسیده، نتیجه تلاش انسان در سایه دانش آموزی بوده است، در عصر جدید هر کشوری که از سیستم آموزشی فعال و سازمان یافته برخوردار بوده است، توانسته استعداد و خلاقیت فرزندان خود را کشف کند و آنان را در سایه آموزش پیشرفته در وادی بی انتهای علم و دانش یاری رسانده و از پیشتازان علم، دانش و تکنولوژی مدرن امروز به شمار آمده اند.

دین اسلام، کاملترین دین در میان ادیان الهی است که به همه جوانب زندگی انسان نگاه ویژه دارد و برنامه کامل برای این منظور در نظر گرفته تا انسانها با عمل به این برنامه به تکامل برسند. یکی از جوانبی که دین اسلام، اهمیت و ارزش فوق العاده ای برای آن قائل است، بحث علم و علم آموزی است تا جایی که نخستین آیاتی که بر پیامبر عظیم الشأن اسلام (ص) نازل شد، بهترین دلیل بر اهمیت و جایگاه ویژه تعلیم و تعلم در اسلام است: «مخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید. (همان کسی که) انسان را از خون بسته ای خلق کرد. بخوان که پروردگارت بزرگوار است؛ همان کسی به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی دانست، یاد داد.» قرآن کریم صراحتاً تعلیم را یکی از اهداف برانگیخته شدن پیامبر اکرم (ص) دانسته و فرموده است: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می خواند و آنان را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد.» پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز با نظر به اینکه یکی از اهداف بعثتش تعلیم و تعلم است، در گفتار و رفتار خود کراراً به اهمیت علم، آموختن و نقش آن در تکامل زندگی انسان تأکید نموده

است. بر همین اساس پیامبر اکرم (ص) وقتی دو گروه را در مسجد مشاهده کردند که گروهی مشغول عبادت بودند و گروهی مشغول مذاکره و بحث علمی، رفتن به نزد گروه دوم را بر پیوستن به جمع عبادت کنندگان ترجیح داده و درباره این رفتار خود فرمودند: «بالتعلیم ارسلت؛ من برای تعلیم فرستاده شده‌ام.»
 تحصیل علم از نظر اسلام یک ضرورت مطلق است و هیچ قید و شرطی ندارد (نه قید زمانی، نه قید مکانی و فردی و نه هیچ قید و محدودیت دیگری). از حدیث معروف «اطلبوا العلم و لو بالصین؛ علم را طلب کنید، اگر چه در چین باشد.» در می‌یابیم که از نظر اسلام طلب علم فریضه‌ای است که جا و مکان خاصی نمی‌شناسد و محدودیت مکانی ندارد. همچنین این حدیث معروف را بارها شنیده‌ایم که «اطلب العلم من المهد علی اللحد»^۱ «ز گهواره تا گور دانش بجوی» که نشان می‌دهد علم آموزی محدودیت زمانی ندارد و نیز حدیث بسیار معروف و مشهور پیامبر (ص) را که فرمودند: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم؛ علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است.» و احادیث معروف دیگری که هر کدام دلیل و نشانه محکمی است بر اثبات وجوب و ضرورت آموزش و تعلیم و تعلم در اسلام.

البته اهمیت علم و علم آموزی از دیدگاه اسلام به قدری واضح است که نیازی به توضیح ندارد. نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم نازل شد بهترین دلیل برجایگاه ویژه تعلیم و تعلم در اسلام است: «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ؛ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ؛ اِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ؛ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.» (سوره علق آیه ۶۹) بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید. (همان کس که) انسان را از خون بسته ای خلق کرد. بخوان پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد. بر همین اساس است که پیامبر اکرم (ص) وقتی دو گروه را در مسجد مشاهده کردند: گروهی که مشغول عبادت بودند و گروهی مشغول مذاکره و مباحثه ی علمی، رفتن به نزد گروه دوم را بر پیوستن به جمع عبادت کنندگان ترجیح داده و درباره این رفتار خود فرمودند: «با لتعلیم ارسلت؛ من برای تعلیم فرستاده شده‌ام.» قرآن کریم نیز صراحتاً تعلیم را یکی از اهداف اساسی برانگیختن پیامبر اکرم (ص) دانسته و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِلْمَةَ^۲» او کسی است که در میان جمعیت درس بخواند. رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را برآنان می‌خواند و آنان را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب

(قرآن) و کمت می آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند (توفیقیانفر، ۱۳۹۴).

حال در می یابیم ، اینکه کشوری بتواند در عرصه های مختلف علمی ، فرهنگی ، هنری ، ورزشی و ... پیشتاز باشد ولی به علم و توسعه علم آموزی بی توجه باشد ، محال است و تمام موفقیت های امروزی جامعه بشری مرهون توجه به علم و دانش است. همچنین کشورهایی در جهان سوم به سوی توسعه و پیشرفت گام برداشته که در قدم اول تغییر و تحول در نظام آموزشی خود ایجاد کرده و در سایه آموزش جدید و پیشرفته، بحران عقب ماندگی را پشت سر گذاشته است. پر واضح است که توجه تک بعدی به علم هم نمی تواند کار گشای تمامی مسائل جوامع باشد و در این که به سایر مسائل اخلاقی ، اعتقادی ، روانی و اجتماعی نیز باید توجه شود شکی نیست (منصوریان، ۱۳۸۶).

ضرورت تحول در نظام تعلیم تربیت کشور

بسیاری از کار شناسان معتقدند که نظام تعلیم و تربیت باید تغییرات اساسی کند. در این بخش باید بررسی کنیم آیا اساساً نظام تعلیم و تربیت کشور نیاز به تحول و ساختار شکنی منطقی دارد یا خیر؟ آنچه مسلم است این است که نسل جوان دارای روحیه متزلزل و شکننده ای دارد و هرگونه برخورد انتخاری و ضربتی با نسل جوان جواب نخواهد داد و باید برای برخورد با نسل جوان و بررسی علائق و سلائق آنها از ادبیات و ابزارهای خاصی استفاده کرد و صرفاً اکتفا به این عبارت که « مگه ما جوون نبودیم . چرا ما از این کارا نمی کردیم » اشتباه محض است. نوع تفکر ، نگرش، بینش ، کسب آگاهی ، تعلیم و ... نسل جوان امروز با جوان ۱۰ ، ۲۰ یا ۳۰ سال گذشته تغییر کرده است و عوامل فرهنگی ، اجتماعی و مدیریتی بسیاری در این شکل گیری های نوین فکری و عقیدتی نقش داشته اند و هرگونه تصمیم گیری و برنامه برای نسل جوان بدون در نظر گرفتن این فاکتور ها و عوامل فرهنگی ، اجتماعی و مدیریتی بی فایده است و نه تنها گره ای از مشکلات باز نمی کند بلکه باعث مشکلات عدیده دیگری هم می شوند. و آنچه که در این فرآیند مهم است و کلید پیروزی ما بر تفکرات مسموم و آلوده ای است که متاسفانه نسل جوان ما را درگیر خود کرده این است بتوانیم ، برنامه ها اهداف ، آرمان ها و الگو های جذاب تر و برتری نسبت به آنچه در ذهنشان دارند ارائه کنیم و توجه آنها را به خود جلب کنیم . تنها در این صورت است که نسل آینده از بیراهه نجات پیدا خواهد کرد و به جای پرداختن

به لذات آنی و زود گذر به لذت های و تبعات مثبت و سالم فکر خواهد کرد و فرد سالم و پویا جامعه سالم و پویا را می سازد و جامعه سالم یعنی زندگی راحت تر و ایمن (توفیقیان فر، ۱۳۹۴).

بنابراین در می یابیم اگر در ایجاد و خلق شیوه های نوین علم آموزی و تولید دانش به روش های قدیمی و سنتی بسنده کنیم ، دشمن گوی سبقت را از ما خواهد ربود و با ترفند های رنگ و لعاب دار جوانان ما را به سمت و سوی خود خواهند کشید. کلید این فرآیند و این برنامه به دست دلسوزان نظام است و در این مقوله دلسوزان نظام همانا مربیان بسیجی هستند که می توانند با ارائه الگوهای کارآمد آب رفته را در اصطلاح به جوی باز گردانند. طبق آمار های مستند بیشترین اعتماد در بین مشاغل متوجه دبیران است و دانش آموزان و خانواده های آنان بیشترین اعتماد را به دبیران خود دارند. اینجاست که نقش مربیان بسیجی بیش از پیش حیاتی تر و حساس تر می شود.

از لوی تعریف بسیج این نتایج حاصل می گردد که بسیج صرفا برای جنگ و دفاع از مرزهای فیزیکی شکل نگرفته است بلکه به عنوان نهادی اثرگذار در روند همه جریانهای روبه رشد جامعه اسلامی که در آن سعادت جاوید آدمیان می باشد نقش آفرین است.

«مأموریت نظام آموزش عبارت است از مجموعه اهداف (ویژگی های انسان مطلوب) و وظایف (ناظر به تحقق شرایط و اقتضائات ، تأمین ابزارها ، وسائل و امکانات) که با تحقق آن افراد آماده ایفای نقش های مفید فردی و اجتماعی در عرصه های توسعه ملی و در تعامل با تحولات محیطی منطقه ای و جهانی می گردند .»

با وجود این که وزارت آموزش و پرورش بزرگترین وزارت کشور است و نمی توان نقش کلیدی آن در پیشبرد اهداف بیست ساله را نادیده گرفت و دولت محترم نیز همواره سعی در ارتقای آن داشته است. ولی در مواردی طرح های ارائه و اجرا شده، باعث وارد آمدن ضربات جبران ناپذیری بر پیکره این وزارتخانه و از همه بیشتر بر دانش آموزان شده است.

یکی از این ضربات زمانی وارد شد و می شود که نقش مراکز تربیت مربی در تربیت نیروی کار آزموده و متعهد، کم رنگ شد و در مقابل ، نیروهای حق التدریس و پیمانی به صورت گسترده

به کار گرفته شدند و به دلایلی همچون آشنا نبودن این افراد با روش تدریس و چگونگی برخورد با روحیه بچه ها و ناچیز بودن حقوق پرداختی به آنها، هیچ گونه تلاشی (و یا حداقل تلاش) در جهت آموزش فرزندان این مملکت انجام ندادند. (نباید از نظر دور داشت که افرادی استثنا نیز وجود دارند.) و حالا که تجربه های زیادی در این مورد به دست آمده است، از دولت انتظار میرود که نقش مراکز تربیت مربی را پررنگ تر کند و به این ترتیب افرادی آموزش دیده، متخصص در امر تربیت دانش آموزان و دیندار و ترد آموزش و پرورش کند؛ و این مسئله مهمی است که با اجرای آن می توان کیفیت، کارایی و بازدهی آموزش و پرورش را تضمین کنیم.

اگر ما بخواهیم به این گفته رهبر معظم انقلاب که «باید به مسئله ی پرورش و جریان پرورش اهمیت داده شود؛ در کتاب درسی، در انتخاب مربی، در تربیت مربی، در خود سازماندهی و هر چه آموزش و پرورش بتواند از گسترش کمی پرهیز کند بهتر است؛ چون گسترش کمی آموزش و پرورش، امروز در اولویت نیست؛ گسترش کیفی مهم است. نیازها بر آورده شود. آن مقداری که نیاز به مربی و مدرسه هست تأمین شود. درجه اول، گسترش کیفی باشد؛ بالا بردن ارتقاء رتبه مربیان از لحاظ آمادگی، تجربه، دانش، فرهنگ؛ این چیزهایی است که در آموزش و پرورش است.» عمل کنیم، ناگزیر باید روند به کارگیری نیروهای حق التدریس و پیمانی متوقف شود و تنها مرجع ورود مربیان به آموزش و پرورش، مراکز تربیت مربی باشد (توفیقیان فر، ۱۳۹۴).

موردی دیگری که باید به آن توجه شود، حقوق مربیان و وضعیت معیشتی مربیان است که از چند جهت باید بررسی شود: اول این که وقتی دولت افرادی را به عنوان حق التدریس استخدام می کند، در چند سال اول خدمت، حقوق ناچیزی به آنها پرداخت می شود و این باعث از بین رفتن و حتی به وجود نیامدن انگیزه تدریس در این افراد می شود. چنین افرادی پس از اینکه به طور رسمی استخدام می شوند، نیز بدون هیچ گونه انگیزه ای خدمت میکنند و تدریسی با کیفیت پایین ارائه میدهند. دوم این که در مواردی اندک، حقوق مربیان دیر پرداخت میشود و این خود باعث دل مشغولی مربی به مسائل مالی و بحران های ناشی از آن می شود، که ناخودآگاه از کیفیت تدریسش کاسته می شود.

امروزه به دلیل فراگیر شدن فرهنگ فرزند کمتر زندگی بهتر و دلایل اجتماعی دیگر، کلاس های چند پایه در کشور زیاد شده اند و نیاز به توجه ویژه به این کلاس ها و مربیان آن ها

است، ولی برعکس در این مورد هیچ گونه اعتنایی نشده است، تا آن جایی که دکتر محرم آقازاده می گوید: « تدریس چند پایه درست مثل سایر بخش های دنیای در حال توسعه و توسعه یافته، از زمان شروع سیستم تحصیل همگانی رسمی وجود داشته است. هر چند کلاس های چندپایه برای مدت های مدید با ما همراه بوده اند، سیستم های آموزشی رسمی توجه کافی به چالش های محیط چندپایه نکرده اند، برای نمونه:

۱- اکثریت مربیانی که هم اکنون در کلاس های چندپایه تدریس می کنند آموزش خاصی برای تدریس این کلاس ها ندیده اند.

۲- توجه کمی به این مسئله در سیاست های آموزشی دولت می شود.

۳- حمایت ضمن خدمت جزئی، از مربیان چندپایه میشود یه اصلا حمایتی در کار نیست.

۴- مراکز تربیت مربی از [قرار دادن روش] تدریس چندپایه در برنامه های تربیت مربی خود چشم پوشی کرده اند. و به این ترتیب بیشتر مربیان چندپایه به حال خود واگذاشته شده اند.» به این ترتیب از مسئولان انتظار می رود در مورد کلاس های چندپایه- که روز به روز بر تعدادشان افزوده می شود- تصمیمات سازنده ای اتخاذ کنند تا ضمن بالا بردن کیفیت آموزش در این مدارس، حقی از دانش آموزان این مدارس ضایع نشود.

مسئله دیگر عدالت آموزشی است که رهبر معظم انقلاب نیز در موارد زیادی به آن اشاره و اهتمام داشته اند، ولی عملاً شاهد هستیم که هیچ تلاشی در این زمینه، حداقل در مقام عمل نشده است. عدالت آموزشی یعنی این که همه مدارس (همه دانش آموزان) از امکانات یکسان برخوردار باشند (از لحاظ وسایل کمک آموزشی، از لحاظ امکانات پرورشی و تربیت بدنی و در نهایت از لحاظ بودجه های دریافتی). برخی از مدارس سرشار از وسایل کمک آموزشی هستند و ظرفیت استفاده از آن وسایل را ندارند، در صورتی که مدارس در مناطق مستضعف، بهدنبال چنین وسایلی هستند و به دیت نمی آورند. و حالا این سؤال پیش می آید که چرا باید ما انتظار داشته باشیم که سطح درک و سطح آموزشی یک دانش آموز منطقه ۱ با یک دانش آموز منطقه ۳ یکسان باشد؟ آیا منصفانه است که کودکی در مناطق مستضعف (منطقه ۳) متولد شود و علی رقم تحمل محرومیت های ناشی از تبعیض اجتماعی و اقتصادی، شاهد این واقعیت باشد که آموزش

و پرورش نیز کمترین امکانات آموزشی را در اختیارش می گذارد؟ چرا باید برخی از مدارس ۳۰ میلیون تومان سرانه بگیرند در حالی که سایر مدارس حداکثر یک میلیون سرانه داشته باشند؟ به این سؤالات نمی توان پاسخ داد، و راهی جز ایجاد عدالت آموزشی در مدارس سطح کشور باقی نمی ماند؛ همان طور که مولایمان علی (ع) از عدالت سخن می گفتند و آن را به بهترین شکل عملی می کردند.

شبکه ملی مدارس طرحی جالب و تحول گرایانه است که متأسفانه به کندی اجرا می شود. امروزه که فن آوری اطلاعات حرف اول را می زند، نباید بگذاریم دانش آموزان ما از نعمت اینترنت و کاربردهای فن آوری اطلاعات بی بهره بمانند. وزارت می تواند با برنامه ریزی دقیق که قابلیت اجرا آن تضمین شده باشد و اطلاع رسانی به جامعه، این شبکه را فراگیر کند.

مشکل دیگری که به نظر می رسد در سطح وزارت نمود بیشتری دارد، این است که با ورود هر وزیر به این وزارتخانه ی عظیم و کلیدی، سیاست های جدیدی شروع به مطرح شدن می کنند و در راستای همین سیاست ها زیرساخت هایی به وجود می آید و هنوز اجرایی نشده اند که وزیر بعدی از راه می رسد و سیاست های وزیر قبلی را نفی می کند؛ زیرساخت های به وجود آمده را نادیده می گیرد و شروع به ایجاد زیرساخت های جدید می کند و این نشان از انعطاف پذیری اندک نظم اداری آموزش و پرورش ما دارد و البته حل این مشکل به قدرتی عظیم نیاز دارد و ناگزیر از آنجا رد می شویم.

رهبر انقلاب اسلامی مجموعه کنونی حاضر در مسئولیت های مهم کشور به ویژه آموزش و پرورش را مجموعه ای با انگیزه و فعال خواندند و افزودند: این مجموعه توانایی ایجاد تحول در نظام تعلیم و تربیت کشور را دارد و باید با کارهای ریشه ای، این تحول انجام شود. ایشان وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش را برای ایجاد این تحول مهم ارزیابی و خاطرنشان کردند: باید همه نیروهای فکری، فرهنگی و خلاق دست به دست هم دهند، تا این کار بزرگ انجام شود. حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به ویژگی های آموزش و پرورش مطلوب و متحول افزودند: در چنین آموزش و پرورش که بهترین دوران عمر انسان ها در آن سپری می شود باید افرادی شجاع، خوش خو، خیرخواه، امیدوار به آینده، بلند همت، دارای نگرش مثبت در قضاوت ها، خلاق، پرسشگر، اهل فکر و نوآوری، دارای جرأت برای ورود به میدان های علمی ناشناخته، منضبط و قانون شناس تربیت شوند. ایشان با اشاره به تأثیرگذاری

عوامل دیگر از جمله خانواده و صدا و سیما در شکل‌گیری اخلاقی، روحی و رفتاری انسان‌ها خاطرنشان کردند: آموزش و پرورش تحول یافته براساس مبانی دینی و هویت ملی، خانواده‌ها و صدا و سیما را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر لزوم برنامه‌ریزی دقیق و زمان‌دار برای ایجاد تحول در نظام تعلیم و تربیت افزودند: مسئولان آموزش و پرورش باید با همت و تلاش خود، پایه و زمینه این تحول را فراهم کنند تا در مدت زمان مشخص چندین ساله، امکان ایجاد تحول براساس آن پایه به وجود آید (منصوریان، ۱۳۸۶).

اهداف و دلایل انجام تحقیق

در بررسی هر موضوع تحقیق الزاماً محقق به دنبال اهدافی خاص پیرامون موضوع اصلی و یافتن راه‌های مناسب در جمع‌بندی از آن مطالب بوده است. ما نیز هدفهایی را که مطابق موضوع قابل بررسی و اجرا باشد و بتواند چشم‌اندازی روشن از آینده در جهت تحقق آموزش فرهنگی و دینی در نظام آموزش و پرورش باشد دنبال می‌کنیم.

مهمترین اهداف تحقیق حاضر عبارتند از:

- ۱- اهمیت نقش و جایگاه مربی در نزد خداوند و جامعه
- ۲- شناسایی راه‌های تقویت فرهنگ دینی و اسلامی در مدارس
- ۳- شناخت نقش مربی در تبیین مسائل اسلامی و فرهنگی نزد دانش‌آموزان
- ۴- تحکیم تفکر آموزشی و بسیجی مربیان و دانش‌آموزان مدارس

روش تحقیق

پژوهش علمی به سهم خود، اهمیت فردی و اجتماعی قابل توجهی دارد. براین اساس در روش تحقیق کتابخانه‌ای (اسنادی) جهت تهیه منابع شامل (کتاب و مقالات) و طرح سؤالاتی در خصوص موضوع اصلی و گردآوری اطلاعات محقق در صدد یافتن پاسخ‌های مناسب بوده است. برای شروع هر تحقیقی حقیقتاً با توجه به موضوع تحقیق اهدافی مد نظر است و بر اساس و موضوع سؤالاتی

در ذهن محقق شکل می گیرد برای تحقیق حاضر نیز سئوالاتی به شرح زیر می باشد.

- ۱- نقش تعلیم و تربیت در افزایش فرهنگ اسلامی چیست؟
- ۲- اساس فرهنگ فردی مربی چه نقشی در ایجاد و تقویت فرهنگ اسلامی دارد؟
- ۳- در جایگاه تعلیم و تربیت چه ارتباطی بین ویژگیهای اخلاقی و اثر بخشی مربی در تقویت فرهنگ اسلامی دارد؟
- ۴- راه های تناسب و سازگاری مربیان در تحقق فرهنگ اسلامی چیست؟

سیر تکامل حیات اجتماعی انسان

نظری اجمالی بر سیر تکامل اجتماعی ، ما را کمک خواهد کرد که آموزش هر عصری را در ارتباط با سایر عوامل و نیازهای هر دوره ، به درستی ارزیابی کنیم . بر اساس منابعی که در دسترس است پیدایش انسانهای ابتدایی در حدود یک میلیون سال قبل اتفاق افتاده است . انسانهای خشن گرسنه و سرگردان دوره پارینه سنگی ، از بام تا شام در جستجوی خوراک بودند و با گوشت جانوران شکار شده و یا میوه و ریشه گیاهان ، رفع نیاز می کردند و هنگام شب که وسیله پیدا کردن غذا مشکل می شد ، در پناه تخته سنگها و شکاف کوهها و لا به لای درختها ، به خواب می رفتند . انسانهای اولیه در مبارزه با قهر طبیعت و حیوانات وحشی ناتوان بودند ، ولی آنچه که باعث شد ، در روی زمین باقی بمانند ، زندگی دسته جمعی آنها بود. همچنین ویژگی های خاص انسانها که بصورت اشتراکی ابتدایی زندگی می کرده اند ، و از نوعی تولید اقتصاد جمعی بهره می گرفته است . جماعتی اشتراکی به تدریج از شکل گروه های اولیه نامنظم ، به جامعه طایفه ای یا خانوادگی تبدیل شدند . در اثر گسترش تمدن وتوسعه اجتماعات ، زندگی جمعی موجب شد که انسانها جهت رفع نیازهای خود دست به دست هم دهند و با همیاری یکدیگر در مسیر رسیدن به خواسته های مشترک کوشش نمایند.

ارزش و مقام مربی

در وصف عالی ترین نوع کرامت پروردگار همان بس که خداوند از آن جهت به وصف (اکرمیت) و نامحدود بودن کرامتش، توصیف شد که علم و دانش را به بشر ارزانی داشته است. پیامبر اکرم (ص) مسلمانان را به دانش پژوهی و اندیشیدن و کسب مهارت و تخصص فرا خواند تا بر قدر و منزلت آنان بیفزاید و قرآن مجید نیز در تشویق به ایمان و دانش اندوزی فرموده است: خداوند مقام آن گروه از شما که ایمان آورده باشند و کسانی که به آنها دانش عطا گردیده رفیع می گرداند. (سالم الصفار، ۱۳۸۵، ص ۷۵)

نقش تعلیم و تربیت در آموزش در افزایش فرهنگ اسلامی

تعلیم و تربیت یعنی آماده کردن فرد برای زندگی در اجتماع معین و آشنا ساختن وی به آداب و رسوم و عقاید و افکار خاص است. یقیناً در بحث از آموزش و پرورش زمانی که از تعلیم و تربیت سخنی به میان می آید فلسفه تربیت و مبانی تربیت تفکیک و جدا خواهد شد، چرا که فلسفه تربیت نه تنها وسیع تر از فلسفه سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و دینی است، بلکه مجموعه و خلاصه آنهاست. تربیت عبارت از رفع موانع و ایجاد مقتضیات و شرایط لازم برای اینکه استعدادهاي انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود (مصطفی دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰، ص ۲۲).

به نظر می رسد که برای ارتقای منزلت اجتماعی مربیان یک راه اساسی و چندین راه فرعی وجود دارد. بدون شک راه اصلی توجه و اهمیت دادن به مسئله منابع انسان و اولویت دادن به مفهوم سرمایه انسانی و سرمایه گذاری در تعلیم و تربیت است. سرمایه انسانی یک مفهوم کاملاً اقتصادی است. در حقیقت خصوصیات کیفی انسان نوعی «سرمایه» است. زیرا این خصوصیات در پرتو آموزش، توانائی های انسان را توسعه می بخشد و می تواند به صورت منبع درآمدهای بیشتر، و یا رضایت خاطر فراوان تر در آینده در آید. چنین سرمایه ای «انسانی» است، چرا که جزئی از اجزاء انسان را تشکیل می دهد، با وی رشد می کند و با او از میان می رود. سرمایه انسانی به صورت کنونی در تاریخ اقتصادی ناشناخته مانده، زیرا در تقسیم بندی سه گانه عوامل تولید، جایی برای سرمایه انسانی در نظر گرفته نشده است (مصطفی عمادزاده، ۱۳۹۲، ص ۳۹) به طور کلی سرمایه انسانی به کیفیت انسان ها و کیفیت توانایی های فردی می پردازد. بدون تردید، در صورتی که به منابع انسانی اهمیت داده شود و سرمایه گذاری در تعلیم و تربیت در میان سایر گزینه های سرمایه گذاری اولویت یابد. سیاست

هاي كلان کشور تغيير مي يابد، نتايج کار مربيانبراي جامعه توجيه مي شود ، حساسيت نقش مربيدر توسعه کشور و فن آوري به درستي تبين مي گردد ، فقر و محروميت از زندگي مربيان دورمي شود ، شيوه هاي جذب و تربيت مربياصلاح مي شود ، مديریت آموزش و پرورش بهبود مي يابد و در نتيجه ، منزلت اجتماعي مربيان ارتقاء مي يابد. بدون تردید در فرايندتعيلم و تربيت بر اساس تقويت فرهنگ اسلامي ، برقراري رابطه انساني با دانش آموزان و حفظ و تامين عزت نفس و احساس خود ارزشمندی آنان است . اين امر استمرار فرهنگ اسلامي را در وجود دانش آموزان دروني مي سازد و رفتارهاي آنها مطابق با هنجارهاي جامعه بروز و ظهور مي يابد. اساساً فرهنگ فردي مربيچه نقشي در ايجاد و تقويت فرهنگ اسلامي در مدارس دارد؟ مربي نبايد فراموش کند ، که او کارگزار است روحاني و ملزم به زندگي با نقش خود ، علاقمند به تمام اشياء پيراموني خود که الهام بخش راهنمايي هستند . محيط و پيرامون مربي مي تواند مکمل فرهنگ فردي او باشد . مربيآگاه که به تدریس خود فکر مي کند ، هميشه بايد در فکر باروري کلاس درس خود باشد . از اين راه است که او مي تواند ، موقعيت کاري خود را استحکام بخشد . تکميل معلومات مربيستگي به مطالعه او و استفاده او از کتب و منابع علمي مختلف خواه در زمينه و خواه در حاشيه مواد تدریس دارد. ولي اغلب داشتن يك کتابخانه شخصي براي هر مربي امکان پذير نيست . رفع اين مشکل مي تواند، در شهرستانها بوسيله کتابخانه هاي دولتي ، در شهرستان هاي فاقد اين امکان عمومي با خودياري مربي به وسيله آموزش و پرورش متبوع و مدرسه مربوط مرتفع گردد. کتابخواني و غني ساختن فرهنگ براي دانش آموزان الزامي است . در اين مورد مربي مي تواند با راهنمايي خود ، متعلمان را به خريد کتابهاي مفيد تشويق کرده و با خريد چند کتاب به طور دسته جمعي ، در سال چندين کتاب در کلاس خوانده شود.

حرفه مدرسي در تدریس به ديگران خلاصه نمي شود ، بلکه يك مربي بايد علاقه به خود آموزي نيز داشته باشد . از اين راه او کمبودهاي خود را جبران مي کند . به علاوه محشور شدن با سايرين مخصوص در رده آموزگاري دبستان و دبیرستان ، در شهرهاي دورافتاده . موجبات خودسازي او را فراهم مي سازد . چه ارتباط داشتن با دانش آموزان و اولياي آنها خود مطالعه رفتاري و اجتماعي محيط کاري و زندگي هر فرد است. هدف از نکات و توصيه هايي که شرح آنها در اين قسمت بيان شد به وجود آوردن آموزگاران آموزش ديده اي که آموزش خود را در

جهت حفظ ارزشهای تحصیلی و دینی و فرهنگی دانش آموزان در راستای اهداف نظام آموزش و پرورش محقق سازند. رعایت رفتار اجتماعی نیکو از طرف مربی و تاکید بر نقش معنوی مربیان بسیار حائز اهمیت است.

رسالت و مسئولیت های مربیدر تقابل فرهنگ بسیجی و فرهنگ اسلامی

فرهنگ و تفکر بسیجی، پدیده مقدسی است که در نهاد مقدس بسیج و در مسیر تکوین آن در دوران انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و دوران سازندگی و بعد از آن شکل گرفته است. مربیان بسیجی مجموعه ای متشکل از افرادی فرهیخته، متخصص و متعهد هستند که از تجربه کافی در آموزش و پرورش برخوردارند. طبیعی است که از این جمع فرهیخته و توانمند انتظارات زیادی وجود داشته باشد. از جمله:

۱- مقابله با تهاجم فرهنگی:

در ابتدای پیروزی انقلاب، دشمن با این تحلیل که گردانندگان انقلاب به دلیل عدم برخورداری از تجربه لازم برای مدیریت کشور، قادر به اداره جامعه نخواهند بود و الزاماً به عناصر شناخته شده و عمدتاً تربیت شده در غرب روی خواهند آورد، دل به عناصر دست پرورده خوش کرده بودند. با کوتاه شدن دست عناصر وابسته به شرق و غرب از مدیریت انقلاب، دشمنان همچون مار زخم خورده ای، تهاجم نظامی را در مرزها آغاز کردند، شکست تهاجم نظامی دشمن به بهای شهادت بسیاری از کارآمدترین نیروهای انقلاب بدست آمد. یاس دشمن از تهاجم فرهنگی با بروز آثار شکست تهاجم نظامی شکل گرفت. امروز بحث تهاجم فرهنگی که به تعبیر حضرت آیت الله خامنه ای به شبیه خون فرهنگی و در کلامی دیگر به ناتوی فرهنگی تبدیل شده است. (محمد باقر حبی، ۱۳۸۷: ص ۹۲)

۲- تحقق جنبش نرم افزاری:

یکی از مهمترین رسالت ها و مسئولیت های معلمین بسیجی تلاش در جهت تحقق جنبش نرم افزاری است. عنصر محوری و هسته اصلی جنبش نرم افزاری، تولید دانش است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تولید علم و نوآوری های علمی را هدف اصلی ایجاد جنبش نرم افزاری می خوانند و می فرمایند «در علم و تحقیق به ترجمه و فراگیری اکتفا نکنید و در مراکز علمی، تولید دانش را هدف اساسی خود قرار دهید».

۳- تحقق اهداف سند چشم انداز توسعه

در سند چشم انداز توسعه ، به ویژه در قانون برنامه چهارم توسعه مدیریت دانایی محور به عنوان راهبرد اساسی مورد تاکید قرار گرفته احراز مقام اول در منطقه پیش بینی شده است . تحقق این مهم در گرو تلاش و کوشش وافر همه اقشار جامعه به خصوص نظام آموزشی است و در این میان باید بر نقش مربیان و مربیان به خصوص معلمین بسیجی تاکید فراوان کرد . در سند چشم انداز توسعه بیست ساله ، کشور با ادبیات زیر تعریف شده است . توسعه یافته ، متناسب با مقتضیان فرهنگی ، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی ، ملی و انقلابی ، با تاکید بر : مردم سالاری دینی ، عدالت اجتماعی ، آزادی های مشروع ، حفظ کرامت و حقوق انسان ها و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی ، برخوردار از دانش پیشرفته ، توانا در تولید علم و فناوری ، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی ، برخوردار از سلامت ، رفاه ، امنیت قضایی ، فعال و مسئولیت پذیر ، ایثارگر ، رضایت مند ، برخوردار از وجدان کاری و (محمد باقر حبیبی ، ۱۳۸۷ : ص ۱۰۵)

۴- تحول گرایی در آموزش و پرورش

فرهنگ هر جامعه بستر گسترده ای برای تحول و تکوین نظام های گوناگون آن جامعه به حساب می آید . تحول های فرهنگی روندهای نوین اجتماعی را به همراه می آورد که این به نوبه خود انتظارات و چشمداشت های متفاوتی را در مردم جامعه ایجاد می کند . تحول یک حرکت ریشه ای است و فرهنگیان می توانند این حرکت و تحول را بر اساس تعلیم و تربیت و اصول علمی تعیین شده با انگیزه کافی آنرا به سرمنزل مقصود برسانند.

مدرسه از مهمترین محیط های آموزشی و پرورشی و به تعبیر عام تر تعلیم و تربیت است . از این رو معلمین بسیجی باید به ساختار ، مقررات ، سلسله مراتب و تقسیم مسئولیت ها و نقش هایی که به طور مستقیم و صریح و غیر مستقیم به آنها محول می شود ، توجه نمایند . اساساً نظام آموزش و پرورش دارای ویژگی هایی است که انتظارات گسترده ای را ایجاد می کند . لذا شناخت محیط و ساختار ، سازمان ، قوانین و مقررات ، فضای فرهنگی ، روابط انسانی و سایر عوامل موثر در این میدان عظیم تربیتی و آموزشی الزامی است.

جایگاه تعلیم و تربیت و ویژگی های اخلاقی و اثر بخشی مربی در تقویت فرهنگ اسلامی

بدون شك مربی برای رسیدن به مقام والای معنوی و اخلاقی خویش باید رفتارش بر طبق موازین علمی و اخلاقی وی باشد. شرایط و صلاحیت هایی که فرد مربی به نحو احسن در خود نگه داشته و سرمایه های علمی و اندوخته های خویش را به نحو شایسته به دیگران ارائه دهد. اصولاً برای يك مربی به طور کلی ویژگی هایی مدنظر است تا بوسیله آن شایستگی احراز مقام تعلیم و تربیت را به نمایش بگذارد. ما برحسب انتخاب موضوع ویژگی های مرتبط با ویژگی معنوی و اخلاقی مربی و ویژگی روان شناختی و خصوصاً ویژگی های حرفه ای و تخصصی مربی را یادآور می شویم (توفیقیان فر، ۱۳۹۴).

الف) ویژگی های معنوی و اخلاقی

به طور کلی مربی باید در زمینه اخلاص که مهمترین عامل برای معلمي که می خواهد کارش برای جامعه مفید و پربركت باشد، داشته باشد. اخلاص آن است که برای خدا انجام شود و مدرسه و کلاس و گفتار و کردارش همه و همه رنگ خدایی داشته باشد و در این حالت کلاس او علاوه بر اینکه مکتب و مسجد است، کارش بهترین کارها و افضل عبادات در اسلام است. به فرموده قرآن شریف: صَبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عِبْدُونَ « (قرآن مجید، سوره بقره: آیه ۱۳۸)

اما عامل دیگر ایمان به خداوند در محیط آموزشی انگیزش و پیگیری وجدیت در کار را زیاد می کند. ایمان باید در دل و جان رسوخ کرده و یقین به لطف پروردگار را همراه داشته باشد. برای ایمان قلبی از سوی علمای علم اخلاق سه درجه ذکر شده است:

۱- علم الیقین: در این مرتبه از ایمان قلبی، شخص دورنمایی از مبدا و معاد را می بیند و ایمان در دلش رسوخ کرده است.

۲- عین الیقین: در مرتبه قبلی، فرد تنها از دور دستی بر آتش داشت ولی اینک در کنار آتش است و گرمای آن را حس می کند. این بدان معنی است که شخص توانسته است صفات رذیله را از میان بردارد و خود را ملبس به صفات انسانیت نماید. به دیگر سخن، ملکه تقوی و عدالت برای او حاصل شده است و در این مرحله نور خداوند در دل او تابیده می شود.

۳- حق الیقین : سومین و عالی ترین مرتبه را حق الیقین نامیده اند و در چنین مرحله ای است که خانه دل ، صاحبخانه را می یابد و آدمی در خود آتش واقع می شود . اینکه گفته می شود : قلب المومن عرض الله منظور همین مومن است ، یعنی کسی که در مرتبه ای از ایمان واقع شده است که خداوند تبارک و تعالی خانه خود را درون قلب او قرار داده است.

از دیگر مشکلات آموزش و پرورش که نیاز به تحول را دو چندان می کند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱) گروکشی های سیاسی در آموزش و پرورش
- ۲) دیوانسالاری فرتوت حاکم بر ساختارهای آموزش ابتدایی و دانشگاهی
- ۳) ساختار تقسیم کار در آموزش و پرورش
- ۴) توجه بیش از حد به مدرسه داری از نوع غربی
- ۵) عدم به روز شدن شیوه های آموزش و مدارس ما با توسعه شاخه های جدیدی از علم
- ۶) تاکید برخی مباحث علوم اجتماعی و علوم انسانی ما مبتنی بر مبانی اومانستی، سکولاریستی و مادی گرایی
- ۷) شکل گیری بخش هایی از کتاب های درسی مبتنی بر مبانی مادی گرایی، سکولاریستی و فمینیستی

از دیگر مشکلات و معضلات آموزش و پرورش نقش و اثر کارگزار اصلی تعلیم و تربیت مربی می باشد که آنطور باید و شاید به آن پرداخته نشده است. نظرات وزیر اسبق آموزش و پرورش در این باره خواندنی است.

«به عبارت دیگر، اگر از میان نهادها و ساختارهای اجتماعی، نهادهای تعلیم و تربیت، اولویت و اهمیت بیشتری در کمک به دستیابی به اهداف توسعه پایدار دارد آیا در درون این خرده نظام نیز می توان ابعاد و عناصر متشکله را از حیث درجه اهمیت، اولویت و تاثیرگذاری بر دستیابی به اصلاحات و تغییرات، دسته بندی کرد؟ شاید در صحت و اعتبار این پاسخ که از میان عناصر و مولفه های گوناگون تشکیل دهنده نظام تعلیم و تربیت، اولویت قطعی را باید برای مربی قائل شد

نتوان تردید و تشکیک کرد. مربی از آن جهت که مورد تایید و توجه جدی و دارای نقش محوری است که کارگزار اصلی تعلیم و تربیت به شمار می رود و اهداف و منویات متعالی نظام های تعلیم و تربیت در ابعاد مختلف، در نهایت باید به واسطه او محقق شود. به دیگر سخن، مربی به این جهت که ضرورتاً تنها او باید به بازنگای تمام و کمال خصوصیات و کیفیت های مطلوب هر نظام تعلیم و تربیت تبدیل شود، مهم ترین و موثرترین عامل تغییر و تحول قلمداد می شود. توضیح بیشتر اینکه، آنچه دانش آموزان از مقوله رشد و کمال (یا عکس آن) کسب می کنند، بیش از هر چیز تحت تاثیر خصوصیات، کیفیات، و شایستگی های علمی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی مربیان است. تعامل مستمر و چهره به چهره مربی یا دانش آموزان، وی را در موقعیت ممتاز و منحصر به فرد مجزا و واسطه فیض قرار می دهد. هیچ عنصر انسانی و دیگری از چنین موقعیت و موهبتی برخوردار نیست. علاوه بر تحلیل های منطقی و کارشناسانه، پژوهش های گوناگونی که از دیدگاه روان شناسی یا جامعه شناسی به موضوع نگریسته اند نیز صحت این مدعا را به اثبات رسانیده اند. برای شرح و بسط این مدعا، کافی است که نگاهی هر چند گذرا به محورهایی که برای تغییر و تحول در نظام های تعلیم و تربیت در سطح ملی و بین المللی مطرح شده است، بیفکنیم تا دریابیم که بدون در نظر گرفتن جایگاهی ویژه برای عنصر مربی، تحقق هیچ کدام از این خواسته ها امکان پذیر نیست. به عنوان نمونه به برخی محورهای مورد توجه تغییر که از واری منابع تخصصی و روز آمد تعلیم و تربیت قابل وصول است توجه کنید: تمرکززدایی و اعطای مسوولیت بیشتر به سطوح محلی تحقق چنین خواسته ای، مستلزم توجه داشتن به صلاحیت های حرفه ای مربیان است و تنها به همان اندازه که در این زمینه سرمایه گذاری شود، می توان به موفقیت این سیاست اصلاحی دل بست. ایجاد انعطاف در طراحی برنامه های درسی کشوری و اعطای فرصت تصمیم گیری درباره پاره ای از مولفه های برنامه های درسی به سطوح پایین تر. روشن است که فاصله گرفتن از الگوهای سنتی و تجویزی در طراحی برنامه های درسی، پیش از هر چیز، مستلزم افزایش قابلیت ها و صلاحیت های مربیان در این زمینه هاست در غیر این صورت، متریق ترین صورت های برنامه درسی نیز در عمل، منتهی به تغییر معناداری در اوضاع کنونی نخواهد شد. تقویت مولفه پرورش اخلاقی و آموزش ارزش های دینی (انسانی) در نظام های تعلیم و تربیت محققان و صاحب نظران حوزه تعلیم و تربیت، بر این باورند که رفتار، سلوک، منش و شخصیت مربی است که عمیق ترین تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم را بر شخصیت دانش آموزان به جای گذاشته و موجب

نهادینه شدن ارزش ها در وجود آنها می شود. علاوه بر این، به کارگیری روش های نوین تدریس برای نیل به این اهداف نیز در گرو بازسازی اندوخته حرفه ای مربیان است.

تقویت یا پرورش ظرفیت خلاق دانش آموزان، حس کنجکاوی و پرسشگری در آنان

توجه به این مقوله ها در نظام های آموزش و پرورش، به عنوان پیش نیاز دستیابی به توسعه علمی و فرهنگی مطرح می شود و باز هم مربی باید آگاهانه در حین ایفای وظایف حرفه ای خود را به عنوان نماد خلاقیت و پرسشگری به دانش آموزان بشناسند تا بذر این کیفیت های ممتاز انسانی در وجود آنها کاشته شود. همچنین مربی است که باید آگاهانه و با هوشیاری و زیرکی، هرگونه جلوه و ظهور این ویژگی ها را در دانش آموزان، مورد تشویق، حمایت و تمجید قرار دهد (توفیقیان فر، ۱۳۹۴).

ایجاد تغییرات لازم متناسب با تحولات تکنولوژیک در عرضه اطلاعات و ارتباطات

این موضوع به عنوان یکی از محورهای جدی تغییر در قرن بیست و یکم، به ویژه در کشورهای پیشرفته تر مطرح است. جالب این جاست که برخلاف تصور خام برخی شیفتگان تکنولوژی، بیشتر دست اندرکاران نظام های آموزش و پرورش که عملاً به کاربرد این ابزارها پرداخته اند، بر نقش اساسی مربی در این جریان تاکید داشته و پیش بینی کم رنگ شدن این نقش را با استفاده از تکنولوژی های جدید واهی و خلاف واقع ارزیابی می کنند. اینان تاکید می کنند که در پرتو به کارگیری منابع و ابزارهای اطلاعاتی جدید در آموزش و پرورش باید نقش متفاوتی را برای مربیان تعریف نموده و در صدد ایجاد قابلیت ها و شایستگی های متناسب با این نوآوری ها در آنان بود. اکنون به مرور اجمالی فوق بر محورهای عمده تغییرات در نظام های آموزش و پرورش و تبیین مختصر نقش و جایگاه مربی در تحقق آنها، در می یابیم که چرا منابع تخصصی تعلیم و تربیت، در طرح و بحث درباره خصوصیات نظام های مطلوب تعلیم و تربیت، مالا مال از نظریاتی است که به وضوح بر محوریت مربی تکیه دارد. به عبارت دیگر، شعارها و آرمان هایی که توسط صاحب نظران برای نظام های تعلیم و تربیت مطرح می شود به

گونه ای آشکار و هماهنگ با تحلیل فوق - بر مربی به عنوان نقطه اتکای هر تغییر و تحولی دلا لت می کند و برخی از شعارها یا آرمانها، عبارتند از حرفه ای گری مربی، توانمندسازی مربیان و مربی پژوهنده. در این جا وظیفه متعالی سیستم آموزشی و اهمیت جایگاه آن مشهود و مشخص می گردد و این گفته اغراق نیست که بقای انسانی به اجرای این وظیفه، بستگی دارد.

رسالت آموزش و پرورش، توان بخشیدن به فرد، فرد انسان ها در جهت توسعه کامل استعداد های خود و نیز شناخت توانمندی های خلاق خود است و این هدف از سایر اهداف متعالی تر می باشد. حصول این هدف، هر چند دشوار و طولانی است، اما سهمی ضروری در جهت جست و جوی جهانی عادلانه تر و بهتر برای زیستن به شمار می رود. این امر زمانی تحقق خواهد یافت که همه چیز سر جای خود قرار گیرد. به عنوان نتیجه بحث، می توان سه اصل را که باید نصب العین نظام های تعلیم و تربیت قرار گیرد به شرح زیر مطرح کرد:

می توان به تحقق عملی هیچ هدف یا نوآوری در آموزش و پرورش دل بست، مگر آنکه تغییرات مناسب با آن، پیشاپیش در مربیان به عنوان کارگزاران اصلی تغییر و تحول به وقوع پیوسته باشد. به عبارت دیگر، رمز سلامت، رشد و بالندگی نظام های تعلم و تربیت را باید در سلامت، رشد و بالندگی مربی جست و جو کرد. اصل دوم: زمان ساده اندیشی و برخورد ساده لوحانه با امر خطیر مربیی به سرآمده است. مربیان اعم از شاغل یا تحت تربیت، باید ظرفیت تحمل باری سنگین را که همان تحقق شایستگی های متناسب با روح و مضمون تغییرات است، داشته باشند. مربیی کردن به رغم تصور برخی معادل تحمل یک بار سنگین حرفه ای است که شاغلان و متقاضیان ورود به آن، باید از کشش ذهنی و گرایش عاطفی متناسب با حمل این بار گران برخوردار باشند. اصل سوم: سرمایه گذاری مادی و معنوی در تربیت مربی و همچنین افزایش توان حرفه ای مربیان شاغل، باید متناسب با چنین نگرشی دست خوش تحول شده و عزمی جدی از سطوح ملی تا محلی به عنوان پشتوانه ای دائمی این حرکت در طی نسل ها استقرار یافته و نهادینه شود. در این نوشتار سعی شد با طرح روشی مبتنی بر یک منطق روشن به ارائه طریق درباره چگونگی مواجهه با نظام تعلیم و تربیت مربی، به منظورپیشنهاد اصلاحات پرداخته شود. این روش در نظر گرفتن یک چارچوب ذهنی و نظری است که از چهار مولفه برخوردار است:

الف - ویژگی های عصری که دانش آموزان در آن زندگی خواهند کرد.

ب - درک از ماهیت مربی

ج - ویژگی های دنیایی که مربیان به طور اعم و مربیان تازه کار به طور اخص در آن به سر می برند.
د - مطالعات مربوط به اجرای نوآوری ها در مدارس.

ذکر این نکته ضروری است که منابع الهام بخش محدود به موارد یاد شده در مقاله نیست و بر حسب تغییر و تحولاتی که در آینده رخ خواهد داد می توان به تعداد این منابع افزود یا از آنها کاست. رعایت محدودیت هایی که در حجم مقاله وجود دارد، عامل دیگری است که موجب صرف نظر کردن از طرح برخی تغییرات دیگر شده است. به هر تقدیر، اندیشیدن درباره چگونگی اصلاح تربیت مربی و همچنین نوع تغییرات ضروری به مثابه پرداختن به مهمترین رکن نظام تعلیم و تربیت است که باید در میان متفکران جامعه دامن زده شود».

با توجه به موارد بالا در می یابیم نظام آموزشی ما نیاز به تحول اساسی و دلسوزانه دارد و علی رغم اینکه مسئولان در حال ترمیم بدنه این دستگاه عظیم می باشند ، زمان در این جا نقش اساسی پیدا می کند و پر کردن این فاصله (از زمان شروع تحول رسیدن به نظام مطلوب) تنها یک راهکار می ماند ، انهم دلسوزی و تلاش جدی و فرهنگ ساز فرهنگیان. این جاست که نقش بسیج در این جهاد علمی پررنگ می شود.

نقش مربیان بسیجی در تحول نظام تعلیم و تربیت

تعریف بسیج: بسیج در لغت به معنای عزم و اراده ، آماده ساختن نیروی نظامی برای جنگ، آماده سفر شدن، اسباب و سازمان معنی شده است .

البته معنای توصیفی و ارزشی بسیج که در کشور نوعی ارزش محسوب می شود با معنای تحت اللفظی بسیج تفاوت دارد و همین معنای ارزشی بسیج است که منشا بسیاری از تحولات عظیم در زمان جنگ و بعد از جنگ شده است.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای بسیج را به اشکال مختلف توصیف و تبیین کرده اند:

بسیج عبارت است از مجموعه ای که در آن باکترین انسانها فداکارترین و آماده به کارترین جوانان کشور در راه اهداف متعالی این ملت و برای به کمال و به خوشبختی رساندن این مردم جمع شده اند.

بسیج یعنی حضور ناشی از ایمان و اخلاص و انگیزه دینی و ایمان صادقانه در هر میدانی که انسان احساس می کند کار آیی و توانایی حضور در آن میدان را داراست.

با عنایت به تعابیر فوق از کلمه بسیج در میابیم بسیج تنها عزم و اراده صرف جهت انجام کاری نیست. بسیج اراده برای رسیدن به امری معنوی و الهی است و مسلم بسیجی با نیت صادقانه و خالصانه قدم در این راه گذاشته و رضای حق تعالی اولین و اساسی ترین مقصود اوست.

نقش بسیجیان فرهنگی و اهل فرهنگ و قلم و و اساساً نقش قلم در گسترش و ترویج ارزش های دینی، ملی، فرهنگی و اعتقادی بر هیچ کس پوشیده نیست. بسیج در این دوران، فراز و نشیب های فراوانی را پشت سر گذاشته و اکنون در یکی از حساس ترین مقاطع تاریخ انقلاب، مراحل رشد خود را می گذراند و بنا بر چرخه حیات سازمان ها، می باید در مرحله توسعه و شکوفایی خود باشد. باید اذعان کرد که این مسأله ولو در ظاهر تا اندازه ای عینیت یافته است، لیکن آنچه اکنون دغدغه اصلی دلسوزان و پیر فرزانه انقلاب است، «میزان تحقق اهداف عالی بسیج در راستای طنین انداز کردن نوای دلنشین تفکر بسیجی در میان لایه های گوناگون جامعه و به ویژه قشر جوان و حتی فراتر از آن، مستضعفان جهان به عنوان مخاطب و خواستگاه اصلی آن می باشد.

باید تلاش کرد تا اندازه نوآوری و شکوفایی در نهاد بسیج محقق شود و بسیج بتواند پاسخگوی نیاز مخاطب نوظلب و نوجوی خود یعنی «جوان امروز» با ویژگی های مربوط به نسل خود باشد. مسلماً تکیه بر روش ها و ابزارهای کهنه و قدیمی که بعضاً حتی ناکارآمدی و عدم اثربخشی خود را نیز بارها به اثبات رسانده اند، نمی توانند تضمین کننده دوام و بقای فرهنگ ناب بسیجی باشد یا اینکه بالعکس، موجبات گسست فرهنگی و ایجاد شکاف ارتباطی بین اصحاب این فرهنگ و نسل های اخیر انقلاب می شوند.

در این خصوص لازم است با برخی از اهداف حضور مربیان بسیجی آشنا شویم.

۱. آشنایی دانش آموزان با فرهنگ متعالی و ارزشهای اخلاقی اسلام

۲. هدایت برنامه ها و فعالیتهای در جهت وجدان کاری، متعهد، انضباط اجتماعی مالی و اقتصادی

۳. مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمنان انقلاب اسلامی

۴. گسترش فرهنگ مطالعه و تحقیق

۵. کشف استعداد و توانمندیهای دانش آموزان

۶. غنی سازی اوقات فراغت دانش آموزان

۷. بهره گیری از امکانات و وسایل هنری

۸. پیدایش میل به هویت جویی و استقلال طلبی و جستجو برای اثبات شخصیت و عزت نفس در بین دانش آموزان

۹. ایجاد قدرت ابتکار و خلاقیت در دانش آموزان (منصوریان، ۱۳۸۶).

بسیج و میزان اثرگذاری آنان بر فعالیتهای علمی و پژوهشی

بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت دارد فرهنگ آن جامعه است و بنا بر فرمایش امام راحل (ره) در فرهنگ هر جامعه مبدا تمام خوشبختی ها و بدبختی های یک ملت است. وظیفه بسیج در عرصه های علمی و پژوهشی خودباوری، تلاش و ارتباط مستقیم با پیشبرد علم و دانش و تربیت و تزکیه نسل جوان است و از جمله وظایف آن هدایت جامعه در ابعاد علمی و تربیتی است.

فرهنگ غیرت و دفاع از استقلال و آزادی، فرهنگ ایثار و فداکاری و ... و سعی و تلاش دو چندان او در نهایت، باعث شکوفایی نسل جوان و آیندگان در زمینه های علمی و پژوهشی و جلوگیری از انواع انحرافات خواهد شد.

برای مربی بسیجی مربی عشق است. او در برخورد با ناملایمات از خدمت گذاری دلسرد نخواهد شد. آری اینگونه است که فرهنگ بسیج و بسیجی بودن در بین نسل جوان تقویت خواهد شد.

تربیت نیروهای متعهد و متخصص

از جمله مصادیق بارز خدمت به مردم، پرورش نیروهای متعهد و متخصص است که این مهم بر دوش مسئولین می باشد. کارگزاران حکومت باید بستری مناسب برای پرورش نیروهای متعهد و متخصص در جامعه ایجاد کنند و زمینه پیشرفت و کار و فعالیت را برایشان مهیا نمایند تا جامعه در هیچ برهه ای از زمانه از لحاظ نیروهای متعهد و متخصص دچار کمبود نباشد. این امر تحقق نمی یابد مگر در يك مشارکت محلی و ملی در پیشبرد نهضت خدمت رسانی به مردم. پرورش افکار نو و ایده های نو که به بروز خلاقیت ها و استعدادهاي گوناگون در جامعه منجر می گردد، مستلزم شناخت ژرف اندیش از نیروهای متعهد و متخصص که خود خواهان يك جامعه قانونمند هستند میسر می گردد. یقیناً در جامعه توسعه یافته ، انسان ، ارزش و مقام انسانی خود را باز می یابد. راه های تناسب و سازگاری مربیان و دانش آموزان در تحقق فرهنگ اسلامی چیست ؟

هر جامعه ای دارای فرهنگی خاص خود است که در عین حال حاوی محتوای ادراکی یعنی هوشیاری ها و همچنین هنجارها، ارزش ها ، نظرها و مفاهیم مربوط به تکوین و حیات افراد است . زندگی امروزی بشر حاصل تلاش های چند دهه هزار سال گذشتگان در طول تاریخ می باشد و اجزا و عناصر فرهنگی ما را وادار به فعالیت هایی می کند که در جهت تامین نیازهای فردی و جمعی بوده و از طرفی گریزی از مفاهیم فرهنگی جامعه نداشته باشد. بدون تردید نقش ها با رشد تغییر می کند ، نقش دانش آموز و مربی نیز در این مجموعه دچار تغییراتی خواهد شد . موقعیت مربی و موقعیت دانش آموز با توجه به نقش آنها در نظام آموزشی مکمل یکدیگر است، زیرا با یکدیگر ارتباط دارند ، یکدیگر را تقویت می کنند و به هم وابسته هستند.

نتیجه گیری

بسیجی دارای توانمندی هایی است که در دنیا زبانزد است. عملیات ها و فعالیت های محیر العقولی که در ۸ سال دفاع مقدس از آنها دیدیم ، دلیلی بر این مدعاست. فاکتور های

متعددی در وجود بسیجی نهفته است که او را در رسیدن به اهداف بیش از پیش موفق می‌دارد. تخصص در کنار تعهد، ایمان در کنار اخلاص، پشتکار در کنار صبر، فروتنی و تواضع در کنار قدرت و از همه مهمتر اعتقاد به داشتن کشوری آزاد و آباد. بنابر این بسیجی در هر صحنه‌ای از فعالیت‌ها شرکت کند بی‌شک موفقیت او تضمین شده است. بسیج سعی دارد با حضور پررنگ خود در مدارس باری از دوش نظام تعلیم و تربیت بردارد که در این قسمت به بخش‌هایی از آن اشاره می‌کنیم. آنچه را که جای دارد در این مبحث به آن بهتر پرداخته شود برخی از دست آوردهای بسیج در عرصه‌های آموزشی و تربیتی در سطح آموزش و پرورش در عرصه‌های کنونی است و بیش از پیش نقش بسیج را در این تحول آشکار می‌سازد:

الف) بسیج، نوجوانان و اسوه‌ها

آموزش و پرورش به عنوان نهادهای بنیادی دارای سرمایه بی‌بدیل و ارزشمند «نیروی انسانی» است و رشد همه‌جانبه این سرمایه‌های کلیدی برای ارتقای ایران اسلامی بر هر انسان صاحب‌خردی پوشیده نیست.

داشتن چنین سرمایه‌ای ارزشمند نیازمند الگوهای شایسته‌ای است تا بتواند این سرمایه را در مسیری والای الهی سوق دهد و آن را از کاستی‌ها برهاند و به مقصد رساند.

شاید دیده باشید که در محیط مدرسه وقتی مربی یا دانش‌آموزی موفق و محبوب است برخی دانش‌آموزان حتی نوع لباس، نوع حرکات و حتی تکیه کلامهای او را تقلید می‌کنند.

گاه یک فیلم سینمایی یا مجموعه تلویزیونی مدتها لباس پوشیدن و رفتار کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. پس ما تحت تاثیر الگوها هستیم و الگوهای را در زندگی خود برمی‌گزینیم و ما نیز می‌توانیم الگو و اسوه باشیم الگوها و اسوه‌هایی که زندگی آنان چراغ راه و رفتار و منش آنان راهنمای ما به سمت خوشبختی، رشد و بالندگی باشد.

آثار حضور بسیج با شاخصه‌های زیبا و ماندگاری که در کلام امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بر آن تکیه شده است می‌تواند در وزارت آموزش و پرورش به ویژه در کتب درسی و برنامه‌ریزی‌های تربیتی به عنوان «اسوه‌های تربیتی» با ویژگیهای زیر نمایان شود.

۱. ما را به فضیلت، رشد و کمال رهنمون باشد.

۲. با فرهنگ و ارزشهای دینی و ملی ما هماهنگ باشد.

۳. رفتار و منش الگو قابل سرمشق شدن باشد.

مقام معظم رهبری در فرازی دیگر می فرمایند: «بسیج به معنای حضور شجاعانه، فداکارانه و مخلصانه انسانهای پیشگام در تمامی عرصه های مورد نیاز نظام اسلامی و کشور است.» (آشنایی با بسیج ص ۵۲)

ب) بسیج و روح اخوت در مدارس

روحیه اخوت و برادری از آموزه های گرانقدری است که مکتب اسلام در راستای استقرار و استمرار اقتدار، عظمت و اعتلای امت اسلامی بر آن تاکید ورزیده است.

در مقابل اختلاف، خصومت، تفرقه و تشتت به عنوان عامل ضعف، ذلت، محو قدرت و عظمت جامعه اسلامی و انحطاط آن تلقی شد، و مسلمانان به اجتناب از آن امر شده اند.

حضور بسیج و نقش آوری آن در ایجاد روحیه برادری در بین مسئولین و دیگر نیروی انسانی اعم از صف و ستاد و دانش آموزان همراه با روح لطیف دینی، برگرفته از آموزه های اخلاقی و تربیتی، در ترسیم حقیقی و عینی آموزه های اسلامی بخوبی روشن است.

ج) نقش بسیج در فعالیتهای فرهنگی و پرورشی

مربی به عنوان یکی از مهمترین عوامل تربیتی در نظام آموزش و پرورش می باشد و دانش آموزان به عنوان لوح های سفید این نظام در خدمت مربیان قرار دارند و اثرات تربیتی مربیان بر آنان چشمگیر است.

بدون شک تمامی مربیان فرهیخته و بسیجی در این خصوص نقشی مضاعف و ژرف بر عهده دارند.

در این برهه از زمان با پیچیده شدن سطوح زندگی و پیشرفت علم و تکنولوژی و بالا رفتن سطح توقعات مربیان، همچنین مسئله «بحران هویت» به عنوان دغدغه جوامع امروزی، می طلبد که مدارس، بخصوص مربیان مجهز به علوم و آشنا به این مقطع حساس باشند و با پشت سر گذاردن آموزشهای علمی لازم در این زمینه

بتوانند اذهان جوانان را نسبت به مسائل و مشکلاتی که آنها را احاطه کرده است بیدار سازند نقش مربیان بسیجی و میزان اثربخشی آنها در تحول دیدگاه دانش آموزان محرز و آشکار است.

مسئله تهاجم فرهنگی و اثرات آن بر نوجوانان به ویژه دانش آموزان همواره از دغدغه های برنامه ریزان آموزش و پرورش می باشد در این راستا مربیان بسیجی می بایست همواره با دست یازیدن به شیوه های مقابله با شبیخون آشنا و راه مقابله با آن را برای دانش آموزان با روشهای مستقیم و غیرمستقیم بیان کنند.

اگر دولت مردان بخش هایی از کارهای اجرایی را علی الخصوص کار های فرهنگی را به دست بسیجیان بسپارند ، مطمئن باشند، برد خواهند کرد. نمونه ای از توانمندی بسیجی ، هنر بسیجی شهید ، مربی اخلاق ، سید اهل قلم «حاج سید مرتضی آوینی» می باشد که توانایی های او بر هیچ کس پوشیده نیست. بسیجی که راه خود را هیچگاه از ولایت جدا نکرد و از او می توان به عنوان دلسوز ترین مربی بسیجی نام برد که همواره دغدغه پالایش فرهنگ از زوائد و ناپاکی ها داشت. این روحیه و این طرز تفکر بی شک می تواند تأثیری شگرف در روحیه و اعتقادات نسل جوان بگذارد . خود باوری بزرگترین و بارز ترین خصیصه بسیجی است و به این جمله اعتقاد دارد که می تواند.

باشد که در ظل سایه ولی عصر (عج) و سایه سار منویات مقام معظم رهبری حضرت آقای خامنه ای روز به روز بر عظمت ایران و ایرانی افزوده شود و خواسته مقام معظم رهبری در خودکفایی علمی محقق گردد.

ارائه راه حل

تفکر در مساله نقش و جایگاه مربی در ایجاد و تقویت فرهنگ اسلامی در مدارس و کنترل تعاملهای بین دانش آموزان ، مربیانهم ترین اصل اساسی در پیشبرد اهداف پژوهش حاضر بوده است و ناگزیر باید به چند اصل توجه نمود.

۱- الگوپذیری از سیره پیامبر (ص) و ائمه بعنوان سرمشق های تعیین شده دین مبین اسلام.

۲- اتخاذ تدابیری در جهت تعلیم و تربیت از سطح ابتدایی تا متوسطه و عالی توأم با تربیت معنوی و تهذیب اخلاقی

۳- آموزش مهارتهای تخصصی مربیجهت ارتقای سطح کمی و کیفی آنان

- ۴- نهادیه شدن تفکرات خلاقانه و نوآورانه متناسب با فرهنگ اسلامی جامعه
- ۵- مشارکت دولت و سایر نهادها و سازمانها خصوصاً رسانه ها در جهت ارائه الگوهای صحیح مطابق با نظام ارزشی و اعتقادی
- ۶- عدم وابستگی فکری معلمان به بیگانگان در جهت ممانعت رسوخ فرهنگ بیگانه که باعث تشتت و انحراف در تحلیل مسائل دینی و فرهنگی می شود.

منابع و مأخذ :

- ۱- امام خمینی، سیدروح الله (بی تا) تعلیقات علی شرح «فصوص الحکم» و «مصباح الانس»، تهران: تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۲- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: انتشارات صهبا.
- ۳- احدی، فاضل (۱۳۹۰)، بررسی میزان اثربخشی طرح صالحین در پاسخگویی به نیازهای آموزشی و تربیتی بسیجیان استان اردبیل، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، مرکز سنجش افکار.
- ۴- اکبری، حسن (۱۳۹۲)، ارزیابی اجرای طرح صالحین در بسیج دانشجویی استان زنجان، زنجان، سازمان بسیج علمی، پژوهشی و فناوری سپاه استان زنجان.
- ۵- امامپور، سیدمحمدجواد (۱۳۹۶)، عیار صالحین: "راهنمای استادیاران شجره طیبه صالحین"، تهران: انتشارات فرآهنگ اندیشه، چاپ اول.
- ۶- ایمان، محمدتقی و کلاته ساداتی، احمد (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی مسئولیت اجتماعی علم در اسلام و غرب، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۷، ش ۶۹: ۵۹ - ۸۸.
- ۷- بازرگان، عباس (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته (رویکردهای متداول در علوم رفتاری)، تهران: نشر دیدار.
- ۸- توفیقیان‌فر، علی‌حسن (۱۳۹۴)، ارزیابی اجرای طرح شجره طیبه صالحین در استان کهکویه و بویراحمد، کهکویه و بویراحمد، سازمان بسیج علمی، پژوهشی و فناوری سپاه استان کهکویه و بویراحمد.
- ۹- حاجی‌زاده، مهین و آورجه، محی‌الدین (۱۳۹۳)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم باتأکید بر دیدگاه‌های علامه طباطبایی در المیزان، دوفصلنامه قرآن در آینه پژوهش، سال اول، ش ۱: ۱۲۳ - ۱۵۶.

۱۰- حق‌وردیلو، ابراهیم (۱۳۹۲)، ارزیابی اجرای طرح شجره طیبه صالحین در استان قزوین، قزوین، قزوین، سازمان بسیج علمی، پژوهشی و فناوری سپاه استان قزوین.

۱۱ - وزارت آموزش و پرورش، نشریه خبری- تحلیلی و آموزشی نگاه، شماره ۴۰۷، مهرماه ۱۳۸۸، هفته سوم

۱۲ - محرم آقازاده، (مترجم) خودآموز تدریس چندپایه، اثر: کنعان مکوسانا و ماری جویس کاپیسا، (تهران: انتشارات آییز، ۱۳۸۶)،

۱۳- فیاض، محمد اسحاق، دستور کار شورای عالی آموزش و پرورش و کمیسیون های آن

۱۴- محمدی نجف‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۹۵)، فرماندهی تربیتی پاسخ به پرسش‌های فرماندهان پیرامون فعالیت‌های تربیتی در بسیج) ویژه فرماندهان نواحی بسیج، تهران: کتاب رواق اندیشه.

۱۵- مذهب جعفری، عباس؛ ماندنی‌زاده، کاظم؛ رحمانی، محمد؛ یاسری، ابوذر؛ بردبار، مصطفی؛ کرمی، محمود و خزاعی، مهدی (۱۳۹۶)، سند طرح‌ریزی آموزش نظام تعلیم و تربیت بسیجیان، تهران: انتشارات فرهنگ اندیشه، چاپ اول.

۱۶- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱)، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

۱۷- مطهری، مرتضی (بی‌تا)، احیای تفکر اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.

۱۸- معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج (۱۳۹۶)، نشریه تربیتی طرح صالحین، تهران، سال چهارم، ش ۱۲.

۱۸- منصوریان، یزدان (۱۳۸۶)، گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟ ویژه‌نامه همایش علم اطلاعات و جامعه‌اطلاعاتی، دانشگاه اصفهان.

۱۹- مهربابی، امیرحمزه؛ خنیفر، حسین؛ امیری، علی‌نقی؛ زارعی‌متین، حسن و جندقی، غلامرضا (۱۳۹۰)، معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، ش ۲۳: ۵ - ۳۰.